

نشریه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۵(۳۹)، ۱۲۳-۱۴۳

DOI: 10.30480/AUP.2022.3897.1847

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی امکان بازنگری برنامه دروس کارشناسی معماری با نگاه بومی؛ بررسی موردی: دانشگاه‌های مازندران*

سیدمحسن موسوی

استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

(نویسنده مسئول مکاتبات)

Email: Mohsen.moosavi@umz.ac.ir

کیمیالسادات طبیب‌زاده

پژوهشگر دکتری معماری، گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

چکیده

برنامه دروس معماری در ایران تا کنون چندین بار بازنگری شده است؛ اما توجهی به رویکرد بومی در آن صورت نگرفته است. این مقاله درصدد آن است تا به بررسی امکان بازنگری برنامه دروس کارشناسی معماری با نگاه بومی بپردازد تا کاستی‌های آموزشی سرفصل دروس کارشناسی معماری را به حداقل برساند. دانشگاه‌های مازندران به‌عنوان مورد مطالعاتی انتخاب شده است. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل محتوا است که از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ استاد و ۲۰ فارغ‌التحصیل معماری چهار دانشگاه در استان مازندران: ۱- دانشگاه مازندران، ۲- دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، ۳- دانشگاه شمال و ۴- دانشگاه آزاد ساری انجام شده است؛ همچنین سرفصل مصوب وزارت علوم، مطالعه شده و پس از آن با توجه به نتایج مصاحبه‌ها و تحلیل محتوای آنها، یافته‌ها مورد بررسی و بحث قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که علت ضرورت تدوین سرفصل جدید کارشناسی معماری با رویکرد بومی‌نگری و متناسب با شرایط و نیازهای دانشگاه‌های مازندران را می‌توان در ۴ زیرمقاله اصلی شامل: ۱- فرم متناسب با اقلیم، ۲- عدم شناخت معماری بومی مطالعات بومی، ۳- شناخت مصالح بومی و ۴- پژوهش‌های اندک در حوزه معماری بومی دسته‌بندی نمود که بیشترین علت مربوط به زیرمقاله «عدم شناخت معماری بومی مطالعات بومی» است.

کلیدواژه‌ها: آموزش معماری، بازنگری سرفصل، بومی‌سازی، دانشگاه‌های مازندران

* این مقاله، برگرفته از طرح پژوهشی دکتر سید محسن موسوی با عنوان «ضرورت تدوین سرفصل جدید کارشناسی معماری با رویکرد بومی‌نگری و متناسب با شرایط و نیازها دانشگاه مازندران» در دانشگاه مازندران است که در سال ۱۳۹۹ به اتمام رسیده است.

مقدمه

پژوهش حاضر به ضرورت بازنگری سرفصل دروس دوره کارشناسی معماری متناسب با رویکرد بومی‌نگری می‌پردازد؛ این‌گونه به‌نظر می‌رسد که بازنگری سرفصل‌های مختلف ارائه‌شده تاکنون توسط وزارت علوم و دانشگاه‌های مختلف و با نگاه حفظ نقاط قوت آنها و با رویکرد بومی‌نگری و همچنین بررسی سرفصل‌های دانشگاه‌های معتبر خارجی اجتناب‌ناپذیر است. از این رو پژوهش پیش‌رو اقدام به بررسی ضرورت تدوین سرفصل کارشناسی معماری می‌نماید تا کاستی‌های آموزشی را به‌حداقل برساند، به روز باشد و به‌طور کلی متناسب با نیاز عموم دانشگاه‌های کشور تنظیم شود. از آنجایی که طرح درس ارائه‌شده از سوی شورای عالی برنامه‌ریزی دوره کارشناسی معماری هشت تا نه سال به‌طول می‌انجامد، تنظیم دقیق محتوای آنها به عهده مدرسان در دانشکده‌های متنوع است. برای به‌روزرسانی محتوای این دوره و تطابق آن با ضرورت‌های آموزشی، ضروری است تا محتوای این برنامه به‌طور ادواری بازنگری شود. در این پژوهش برای دستیابی به ضرورت بازنگری سرفصل دروس رشته معماری متناسب با نیازهای بومی، مصاحبه با استادان و فارغ‌التحصیلان معماری انجام شده است و پس از آن با توجه به نتایج مصاحبه‌ها سعی شده تا ضرورت‌های ایجاد سرفصل جدید با رویکرد بومی‌سازی مورد بررسی قرار گیرد. هدف اصلی پژوهش پیش‌رو، بررسی ضرورت تدوین سرفصل جدید کارشناسی معماری با رویکرد بومی‌نگری است؛ سرفصلی که واجد ویژگی‌های زیر باشد: ۱- حفظ نقاط قوت سرفصل‌های قبلی و ۲- بررسی و بومی‌سازی سرفصل‌های دانشگاه‌های معتبر خارجی و استفاده از نقاط قوت آنها. علاوه بر این، بهینه‌سازی کیفیت آموزش معماری و ایجاد تنوع در برنامه‌ها و سرفصل‌های آموزشی و فراهم نمودن زمینه‌های کاربردی کردن و اجرایی نمودن تمرین‌ها و پروژه‌های دانشجویی از دیگر اهداف پژوهش پیش‌رو بوده‌اند. پرسش‌های پژوهش نیز بدین شرح بوده‌اند: ۱- چرا دیده شدن نیازهای بومی هر منطقه در سرفصل دروس معماری دانشگاه‌های آن منطقه ضرورت دارد؟ ۲- کدامیک از نیازهای بومی، اقلیمی و فرهنگی باید در سرفصل معماری مورد توجه قرار گیرد؟

پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه رجوع به معماری بومی می‌توان بیان کرد که سال‌های ۱۹۶۰ میلادی سرآغاز توجه علمی و جدی به موضوع معماری بومی در غرب بوده است. هر چند که در نیمه دوم قرن ۱۸، با استعمار کشورهای آفریقا و اقیانوسیه به‌وسیله اروپاییان، مطالعاتی در مورد نحوه زندگی، فرهنگ و هنر و معماری جوامع استعمارشده صورت گرفت و به‌نوعی توجه به معماری بومی نیز در غرب رواج یافت، لیکن این تحقیقات و بررسی‌ها توسعه همه‌جانبه و عمیق خود را در طی سال‌های پس از ۱۹۶۰ میلادی به منصفه ظهور رسانید. در اوایل سال‌های ۱۹۶۰ میلادی در نتیجه رشد و گسترش معماری مدرن و پس از ظاهر شدن کمبودها و ضعف‌های آن، ضرورت یافتن راهکارهایی برای رفع مشکلات پدید آمده، حادث شد. در سال‌های حدود ۶۵-۱۹۶۰ میلادی، تعداد بسیاری از معماران به‌ویژه در کشور آمریکا سؤال می‌کردند که: چرا معماری باید به چنین نقطه‌ای برسد؟ در پاسخ به این سؤال برخی به نقطه جدایی از معماری بومی و دوری از ارزش‌ها و اصول حاکم بر آن روی آورده و این امر را در رسیدن به شرایط زمان خود مؤثر می‌دانستند (صادقی‌پی، ۱۳۹۱)؛ از این رو رجعتی به معماری بومی داشته و آن را به‌عنوان منبعی ارزشمند برای درس عبرت گرفتن و الهام‌گیری راهکارهایی جهت رفع مشکلات، مورد توجه دقیق و بررسی‌های علمی قرار دادند. این رویکرد بلافاصله اثر خود را بر روی حرفه معماری و آموزش معماران ظاهر نکرد و تأثیرات بارز و آشکار آن بعد از سال‌های ۱۹۶۰ میلادی بروز پیدا کرد.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

حیطه	نام پژوهش	نگارندگان	روش پژوهش	نتایج
معماری بومی	تأثیر فرهنگ بر معماری بومی	نوروزی و شایسته، ۱۳۹۲	توصیفی-تحلیلی	فرهنگ و آداب و رسوم یک مرز و بوم بر روی معماری آن منطقه بسیار مؤثر بوده و با محفوظ داشتن عوامل بنیادی، فرهنگی و هنری در بنا می‌توانیم یک اثر ساختمانی معمولی و بی‌روح را به سوی یک معماری کامل و شاخص سوق دهیم؛ اثری که آرمانها، تاریخ و فرهنگ، ذوق و اندیشه و هنر یک جامعه در آن نهفته است، به موازات این بینش توجه به واقعیت‌ها و ضرورت‌های ساختمان و عملکرد نیز موجب نوعی تعالی در بیان معمار شده و پیام معماری در این مرحله آشکار خواهد شد.
	اصول بر تحلیلی فرهنگی مجتمع طراحی رویکرد با توریستی بومگرایی	کاروان و اصل شیرین، ۱۳۹۴	توصیفی-تحلیلی	توجه به جذب توریسم و مسافر چه از نوع داخلی باشد و چه از نوع خارجی، یکی از ضروریات کشوری است که یکی از ده کشور دارای شرایط جذب هزاران گردشگر در جهان است. بومی‌گرایی، راهی برای جذب توریسم به‌شمار می‌آید.
	روند تحولات نغار در معماری بومی مازندران	رفیعی، ۱۳۹۰	توصیفی-تحلیلی	این پژوهش به مطالعه و شناخت نغارها و سیر تکاملی آن به سقانفار و شناخت معماری بومی مازندران و انعکاس اعتقادات و باورهای آیینی و مذهبی مردمان بومی مازندران در معماری سقانفارها و تکایا به‌دنبال آن در آداب و رسوم ماه محرم پرداخته شده است.
	بررسی معماری بومی مازندران جهت دستیابی به اصول طراحی بومی و تبیین هویت کالبدی معماری مازندرانی	محمدپور، ۱۳۹۲	توصیفی-تحلیلی	توجه به ارزش‌های معماری بومی هر نقطه از اقلیم ایران مؤید این نکته است که تمامی این ساختمان‌ها در زمان و مکان خودبه‌خودی با اهداف معماری پایدار مطابقت داشته باشند. در این مقاله بیان شده است که می‌توان با بررسی عوامل کالبدی معماری بومی مازندران و پاسخ‌هایی که هر جزء از معماری در مواجهه با اقلیم اتخاذ نموده است، به استخراج عوامل قابل تکرار پرداخته و آنها را به‌عنوان آیت‌هایی قابل استفاده در معماری حال حاضر معرفی کرد.
	معماری بومی مازندران و نقش آن در توسعه صنعت گردشگری	سپاسی و سپاسی، ۱۳۹۴	توصیفی-تحلیلی	استان مازندران، سواحل و معماری آن به‌دلیل برخورداری از جاذبه‌های غنی گردشگری، یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری کشور است. وجود سواحل و سرسبز بودن منطقه سبب شده است که ساخت‌وسازها منطبق بر شرایط طبیعی باشد. مصالح ساختمانی به‌کار گرفته شده در منطقه مازندران، چوب سنگ بوده که برگرفته از محیط طبیعی مازندران است و همین عوامل باعث زیبایی منظر معماری این منطقه شده و در جذب گردشگر تأثیرگذار بوده است.
	استفاده از معماری بومی در طراحی تمرین‌های دروس مقدمات طراحی معماری	موسوی و همکاران، ۱۳۹۶	موردپژوهی با رویکرد استدلالی-استنتاجی	رجوع به معماری بومی با توجه به قابلیت‌های آن می‌تواند پاسخ مطلوبی به حساسیت‌های مشخص شده در اهداف دروس مقدمات طراحی باشد؛ زیرا با الهام از معماری بومی می‌توان تمرین‌های سودمندی برای این دروس مبتنی بر اهداف آنها توصیه کرد.

حیطه	نام پژوهش	نگارندگان	روش پژوهش	نتایج
سرفصل دروس معماری	تحلیل محتوای سرفصل دروس معماری منظر مبتنی بر نگرش سیستمی در آموزش و طراحی منظر	فیضی و اسدیپور، ۱۳۹۲	تحلیل محتوا در رویکرد استنتاجی	توصیه می‌شود که در بازنویسی دروس سرفصل معماری منظر، توجه به طراحی جمعی و مشارکتی، لزوم توجه به روش‌های پژوهش میدانی، پیمایش اجتماعی و سنجش رفتار مردم در فضاهای باز و ارزیابی ترجیحات عمومی و لزوم توجه به جامعه‌شناسی منظر لحاظ شود.
	بازنگری تطبیقی برنامه آموزش پایه طراحی در دوره کارشناسی معماری	غریب‌پور و توتونچی‌مقدم، ۱۳۹۴	مقایسه تطبیقی	مقایسه برنامه آموزش پایه طراحی در دانشگاه‌های خارجی و داخلی بیان‌گر آن است که در دانشگاه‌های خارجی، طول دوره پایه حدود یک سوم طول کل دوره است. طول دوره آموزش معماری و به تبع آن، طول دوره آموزش پایه در دانشگاه‌ها و کشورهای مختلف، متنوع است و تحت شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و قوانین حرفه‌ای حاکم در هر کشور، طول دوره و محتوای آموزش یکسان نیست؛ این در حالی است که در دانشگاه‌های ایرانی، طول دوره مطابق با برنامه مصوب وزارت علوم و فناوری بین هشت تا نه نیم‌سال ثابت است.
	ارزیابی برنامه‌های آموزش معماری دوره کارشناسی در ایران از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگی	غریب‌پور و توتونچی‌مقدم، ۱۳۹۵	تحلیل محتوا	میزان توجه به مؤلفه جهان‌بینی در دروس حوزه طراحی معماری و تاریخ و مبانی نظری می‌تواند افزایش یابد. توجه به مؤلفه تاریخ نباید تنها محدود به حوزه دروس تاریخ و مبانی نظری باشد، بلکه توجه باید در حوزه طراحی و حتی فن ساختمان نیز بیشتر شود به مؤلفه جغرافیا در همه حوزه‌های درسی باید افزایش یابد؛ به خصوص در حوزه فن ساختمان.
	سنجش امکان توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در آموزش دوره پایه طراحی معماری	غریب‌پور، ۱۳۹۸	استنتاج منطقی	در چارچوب آموزش فعلی با لحاظ موضوعات فرهنگی در ارتباط با معماری در سرفصل‌های آموزش پایه امکان توجه به مؤلفه‌های فرهنگی ایجاد می‌شود.
	بررسی تطبیقی شاخص‌های آموزش سازنده‌گرا در طرح دوره کارشناسی ارشد رشته معماری دانشگاه‌های هاروارد، ای. آی. بیلیکنت و شیراز	دستغیب پارسا و همکاران، ۱۳۹۹	تطبیقی با رویکرد کیفی	دانشگاه هاروارد دارای انعطاف‌پذیرترین و متنوع‌ترین برنامه آموزشی میان دانشگاه‌های مورد مطالعه است. دانشگاه ای. آی. بیلیکنت، قوی‌تر از دیگر دانشگاه‌های مورد بررسی عمل می‌کند. برنامه، دانشگاه بیلیکنت با به کارگیری حداکثری از توان خود در استفاده و تبادل اساتید و دانشجویان بین‌المللی سعی در افزایش شیوه‌های آموزشی و نزدیک شدن به سطح دانشگاه‌های تراز اول دنیا دارد. ساختار برنامه‌دهی ثابت و عدم بازنگری طولانی‌مدت، مهم‌ترین مشکل برنامه آموزشی دانشگاه شیراز محسوب می‌شود.
	بررسی تطبیقی برنامه آموزشی دوره کارشناسی معماری در ایران با شش دانشگاه برتر جهان	غریب‌پور و میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰	استدلال منطقی	در قالب پنج مؤلفه تعامل متقابل دروس متنوع در طول دوره، قدرت انتخاب، حرفه‌محور بودن، پژوهش‌محور بودن و هویت‌محور بودن آموزش، راهکارهایی نظیر ارتقاء ارتباط دروس نظری و کارگاهی به‌وسیله تعامل بیشتر اساتید دروس متنوع، ارتقای دروس انتخابی و اختیاری، توجه بیشتر به دوره‌های تشویق حرفه‌ورزان به تدریس در مقام مربی، به‌وجود آمدن فرصت‌های تحقیقاتی و تبادلات دانشجویی برای دروس کارشناسی معماری توصیه می‌شود.

با دقت در جدول (۱) که حاوی پیشینه پژوهش است، مشخص است که تا کنون پژوهشی با هدف بررسی امکان بازنگری برنامه دروس کارشناسی معماری با نگاه بومی انجام نشده است؛ بنابراین انجام این پژوهش می‌تواند گپ موجود را برطرف کرده و به‌صورت کاربردی در سرفصل دروس با تأکید بر آموزش معماری در مازندران، لحاظ شود. از آنجایی که عوامل متعددی در شکل‌گیری فرایند آموزش و معماری دخیل‌اند، در

پژوهش حاضر سعی شده است تا ضمن اشاره به برخی از این عوامل و با بهره‌گیری از نظرات استادان و دانشجویان رشته معماری دانشکده‌های مختلف استان مازندران، توجه مسئولان برنامه‌ریزی سرفصل دروس معماری، به‌ویژه دست‌اندرکاران رشته معماری و استادان دانشگاه‌های مازندران و غیره به ضرورت بازنگری در روش‌ها و برنامه‌های آموزشی با رویکرد بومی‌نگری جلب شود. اهمیت این مسئله به‌خاطر ایجاد رابطه منطقی بین دو مقوله اساسی دانشکده‌های معماری یعنی: آموزش مباحث علمی به‌صورت تئوری یا کارگاهی در دانشگاه‌ها از یکسو و درک آثار ساخته‌شده بومی و فضاهای مختلف بومی شکل‌گرفته به‌صورت مستقیم و بلاواسطه از سوی دیگر است. از این رو، توجه به موضوع معماری بومی در دانشکده‌های معماری باید همواره در اولویت کاری برنامه‌ریزان درسی گروه معماری قرار گیرد.

مبانی نظری

سرفصل دروس کارشناسی معماری

تعداد کل واحدهای دوره ۱۴۰ واحد شامل: ۲۴ واحد دروس پایه، ۸۱ واحد دروس اصلی، ۲۲ واحد دروس عمومی و ۱۳ واحد دروس اختیاری است. دروس پایه شامل: بیان معماری ۱؛ بیان معماری ۲؛ بیان معماری ۳؛ مقدمات طراحی ۱؛ مقدمات طراحی ۲؛ مقدمات طراحی ۳؛ انسان، طبیعت، معماری و اسکیس و دروس اصلی شامل: طراحی معماری ۱؛ طراحی معماری ۲؛ طراحی معماری ۳؛ طراحی معماری ۴؛ طراحی معماری ۵؛ طرح نهایی؛ معماری معاصر ۱؛ معماری معاصر ۲؛ فرایند طراحی در معماری؛ مبانی نظری معماری؛ معماری جهان، معماری اسلامی ۱؛ معماری اسلامی ۲؛ تنظیم شرایط محیطی؛ تأسیسات الکتریکی (نور و صدا)؛ تأسیسات مکانیکی ساختمان؛ مدیریت و تشکیلات کارگاهی؛ مصالح ساختمانی؛ ساختمان ۱؛ ساختمان ۲؛ طراحی فنی؛ دستگاه‌های ساختمانی؛ ایستایی؛ مقاومت مصالح و سازه‌های فلزی؛ طراحی ساختمان‌های بتنی؛ مبانی برنامه‌ریزی فضاهای شهری؛ طراحی فضاهای شهری؛ معماری بومی و مقررات ملی ساختمان است. دروس اختیاری نیز شامل: اصول مرمت و حفاظت؛ زبان تخصصی معماری؛ کارآموزی معماری؛ کارگاه معماری و ساخت؛ متره و برآورد؛ نقشه‌برداری در معماری؛ ریاضیات و معماری؛ مبانی معماری منظر؛ معماری داخلی؛ فن‌آوری‌های نوین ساختمانی؛ مبانی مهندسی زلزله برای معماران و طراحی در بحران است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۵، ۸ و ۱۱-۱۳).

معماری بومی

معماری بومی یا معماری محلی به شیوه‌هایی از ساخت‌وساز اطلاق می‌شود که مصالح و مواد، دانش و نیروی کاری که در آن استفاده می‌شود، با توجه به نیازهای افراد بومی آن منطقه صورت می‌گیرد. معماری بومی با توجه به فرهنگ هر منطقه شکل گرفته است و به همین دلیل با گذر زمان و با تکامل فرهنگ، معماری بومی هم تکامل می‌یابد (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۲). معماری بومی اساساً تفاهمی بین زمینه، نیاز و فرم بوده و منظور از بوم، همان متن، بستر، زمینه و محیطی است که معماری در آن شکل می‌گیرد (نقوی و کیانی، ۱۳۹۸). معماری بومی برگرفته از الگوهای فرهنگی و نمایان‌گر آداب و رسوم، روحیه، احساسات، اندیشه و عقیده، ذوق و سلیقه و هنر جامعه است؛ از این رو رشد شکاف بین گذشته و حال و فرسایش فرهنگ بومی لزوم توجه بیشتر معماران به کالبد معماری بومی را ایجاد می‌کند. به‌طور کلی معماری بومی برگرفته از خصوصیات محیطی به‌منظور رفع نیازهای انسانی در محیط است. دانش بومی بخشی از ثروت و سرمایه ملی است (کاوه بوکانی و قاسمی، ۱۳۹۴).

فرهنگ

در زبان پهلوی و فارسی دری از دیرباز با این واژه برخورد می‌کنیم که مراد از آن، ادب و علم و هر آن چیزی است که در رده شایستگی اخلاقی و هنروری جای دارد. واژه فرهنگ در زبان‌های اروپایی از «culture» ریشه می‌گیرد که به معنی کشت‌وکار یا پرورش بوده است. در قرن نوزدهم فرهنگ را به معنی تمدن نیز به کار می‌بردند؛ یعنی مجموع آفریده‌های مادی و معنوی یک جامعه. در زبان عامیانه، فرهنگ گاهی به معنی تمدن، شهروندی یا ادب شخصی به کار برده می‌شود. فرهنگ معمولاً صفاتی محلی، ملی یا ایلی، قومی و قبیله‌ای دارد تا جهانی (نوروزی و شایسته، ۱۳۹۲).

در سال ۱۹۶۰ میلادی، گرایش‌های جدید پدید آمده در میان معماران علاقه‌مند به موضوع معماری بومی، طیف گسترده‌ای از زمینه‌های مختلف را در بر گرفت. در این زمان معماری بومی به عنوان منبعی ارزشمند برای درس، عبرت و الهام گرفتن راهکارهایی جهت رفع مشکلات پدید آمده در معماری، مورد توجه دقیق و بررسی‌های علمی قرار گرفت. این نگرش نه تنها در کشورهای غربی، بلکه متعاقب آن در کشورهای در حال توسعه و کشورهای اسلامی نیز بروز پیدا کرد. اثرات این موج به کشور ایران نیز رسید و پس از انقلاب اسلامی با پدیدار شدن شرایط مساعدتر جامعه، با قوت و قدرت بیشتری پی‌گیری شد (صادقی‌پی، ۱۳۹۱). هر جامعه‌ای فرهنگ و جهان‌بینی ویژه‌ای دارد که تبیین‌کننده آرمان‌هایش است (رضانپور و همکاران، ۱۳۹۸). فرهنگ فقط زیبایی ظاهری نمی‌بخشد، بلکه هویت مردم را به نمایش می‌گذارد و میهن‌پرستی و ملی‌گرایی آنها را تقویت می‌کند (Bermas, 2020). فرهنگ هر جامعه، به نوعی تعریف‌کننده هویت جامعه است و معماری هر جامعه، تجلی‌ای از هویت جامعه در عرصه ماده به شمار می‌رود (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹). چیزی که فرهنگ امروز را تهدید می‌کند، پدیده چند فرهنگی و ظهور هویت‌های چندگانه است (علی‌الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲).

معماری و نیازهای فرهنگی

انعکاس ریشه‌های فرهنگی و اعتقادی هر جامعه‌ای در کالبد معماری آن بروز می‌نماید (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶). طی چند دهه گذشته مباحث فرهنگی در پژوهش‌های معماری حضور بیشتری داشته‌اند. این نکته موجب شده است تا شاخه‌ای از این تحقیقات محور فعالیت‌های خود را به این موضوع اختصاص دهند (مظفر و همکاران، ۱۳۹۱). فرهنگ همواره به عنوان عامل جهت‌دهنده، موجب پیدایش شیوه‌های منحصر به فردی در معماری از جمله معماری بومی بوده است (ستوده و کریمی، ۱۳۹۴). حفظ و تلفیق ارزش‌های معماری بومی، نشان‌دهنده راز پیوستگی انسان‌ها به تاریخ و محیط کالبدی خود و در پی آن، سبب پایداری در هر زبان و فرهنگی است (نیک‌فطرت و بی‌طرف، ۱۳۹۵).

اجتماع از رهگذر تبلیغ و تبیین اعتقادات اساسی، ارزش‌ها و رفتارهای پذیرفته شده، نمادهای فرهنگی خود را در بین مردم رواج می‌دهد (حلبی و ستاری‌فرد، ۱۳۹۴). ساختمان‌ها باید برای همه اقشار جامعه با هدف تعاملات هنری، فرهنگی و اجتماعی، با در نظر گرفتن مفاهیم معماری بومی مورد نظر پدید آیند. کمبود چنین فضاهایی در جامعه به طرز قابل ملاحظه‌ای نمایان شده است.

اگر جامعه‌ای بخواهد از تمدن برخوردار باشد، لازم آن فرهنگ‌سازی در قالب‌های مختلف به صورت فعال است. در میان ابزارها و بخش‌های مهم فرهنگی، دانشگاه نقش خطیری در شکل‌دهی فرهنگ بر عهده دارد؛ زیرا مأمور فرهنگ‌سازی است. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، معرف نهاد نرم‌افزاری تفکر و علم آن جامعه محسوب می‌شوند. دانشگاه‌ها اصول جهان‌بینی و نظام اعتقادی- ارزشی جامعه را در خود متجلی می‌سازند و با تربیت متفکران و دانشمندان و مدیران آینده، در جهت بخشی به حرکت‌های گوناگون فکری، اعتقادی،

فرهنگی و سیاسی جامعه، مؤثر واقع می‌شوند (شاه‌علی، ۱۳۹۸). اگر وضع کنونی معماری معاصر ایران فاقد مطلوبیت مقبول است، بخش قابل توجهی از آن به آموزش معماری، تربیت معماران و متخصصان این رشته مرتبط است (مهدوی‌پور و جعفری، ۱۳۹۱).

رابطه روش تدریس و بازخورد استاد در معماری

مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر فرایند آموزش عبارت‌اند از: ۱- روش تدریس، ۲- شناخت دانشجویان، ۳- دانش مربوط به محتوا، ۴- اهدافی که غایبات و ایدئال‌هایی را برای تدریس توصیف می‌کنند و ۵- ارتباط‌هایی که بین استاد و دانشجویان وجود دارد. این پنج مؤلفه در هر تدریس به صورت عام وجود دارد. مهم نیست که در چه مقطع یا کجا و چگونه تدریس می‌کنید. هر تدریسی را با این پنج مؤلفه می‌توان توصیف کرد (میچر و سولتیس، ۱۳۹۰). آتلیه‌های طراحی در مرکز آموزش معماری قرار دارند؛ جایی که آموزش از طریق فرایند یادگیری «یادگیری از طریق انجام عمل» تجارب دانشجویان مبتدی را شکل می‌دهد. آموزش معماری ضرورتاً فرایندی ناقص است؛ چرا که آموزش معماری، آموزش چیزهایی متفاوت به افراد متفاوت است. هر مدرس معماری با توجه به ایدئولوژی و اعتقادات خودش و متفاوت از دیگران آموزش می‌دهد؛ بنابراین واگرایی شگرفی بین محتوایی که آموزش داده می‌شود، شیوه‌های آموزش در دانشکده‌های مختلف و حتی یک دانشکده وجود دارد (Salama, 2006).

فرایند یادگیری در معماری

با توجه به اینکه بحث یادگیری معماری برای آموزش معماری بومی حائز اهمیت است، در ادامه به این موضوع پرداخته شده است تا پس از تحلیل محتوای داده‌ها در بخش یافته‌ها، این موضوع مورد تحلیل قرار گیرد و مشخص شود که آموزش معماری بومی از چه طریقی باید به دانشجویان آموزش داده شود. دانشجویان از سبک‌های معماران مختلف بدون در نظر گرفتن زمینه خلق آن آثار، شرایط استفاده‌کنندگان آن بناها و مناسب بودن با شرایط اقلیمی و محیطی آنها، تبعیت می‌کنند. در چنین شرایطی دانشجویان مبتدی، طراحی معماری را بیشتر به منزله فرصتی برای بیان خلاقیت‌های درونی خودشان می‌نگرند تا چالشی برای حل یک مجموعه پیچیده‌ای از مسائل اجتماعی و فنی (Gross & Do, 2013). با توجه به اهداف آموزشی طبقه‌بندی شده بلوم، چارچوب‌های طبقه‌بندی شده‌ای برای اهداف آموزشی معماری نوشته شده است: ۱- دانش: شناسایی و یادآوری اطلاعات، ۲- درک مطالب: درک کافی برای سازمان‌دهی و چیدمان مصالح در فضا به طور ذهنی، ۳- انتقال یادگیری: به کار بردن اطلاعات قبلی یاد گرفته شده در پاسخ به مسائل جدید، ۴- تحلیل: طرح مسائلی برای وادار شدن دانشجویان به تفکر عمیق و انتقادی، ۵- ترکیب: طرح مسائلی برای وادار شدن دانشجویان به تفکر خلاق، ۶- ارزیابی: طرح مسائلی برای وادار شدن دانشجویان به قضاوت شایستگی یک ایده، یک راه‌حل یا یک اثر زیبایی‌شناسانه (Harow, 2013). با نگاهی به طبقه‌بندی بلوم و ماهیت طراحی درمی‌یابیم که فرایند یادگیری در درس طراحی، شامل مراحل: فهم تحلیلی، تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری خلاق است (Salama, 2005).

در یادگیری فعال، دانشجویان در کلاس فعال هستند (پیشگاهی و همکاران، ۱۳۸۸) و به طور مؤثر درگیر آنچه می‌آموزند می‌شوند، به سؤالات پاسخ می‌دهند، خود سؤالاتی را طرح می‌کنند، وارد بحث می‌شوند و مطالب را توضیح می‌دهند (Molenda, 2010). در روش‌های یادگیری فعال، یادگیری فعال شامل مشارکت مستقیم فراگیران در فرایند یادگیری است؛ بنابراین هر فعالیتی که فراگیران را به گوش دادن به یک سخنرانی تشویق

نماید، یک یادگیری فعال است (Hamounda & Tarlochan, 2015). پژوهش‌گران حوزه آموزش بر اهمیت یادگیری فعال و تکنیک‌های آن تأکید می‌کنند. فراگیرانی که فعالانه در کلاس درس حضور می‌یابند، نسبت به رده‌های با رویکرد یادگیری غیرفعال، از کار خود رضایت بیشتری دارند و مهارت‌های مهم دیگری مانند تفکر در بحران، مذاکره و مهارت‌های ارتباطی را بهتر می‌آموزند. تکنیک‌های یادگیری فعال شامل دامنه وسیعی از راهبردها برای دانشجویانی است که به فکر یادگیری عمیق‌تر هستند (Ngeow & Kong, 2001) که از آن جمله می‌توان به: یادگیری مشارکتی، یادگیری مسئله‌محور و یادگیری پروژه‌محور اشاره کرد.

جدول ۲. انواع یادگیری فعال

منابع	توضیحات	انواع یادگیری فعال
عالی و همکاران، ۱۳۹۷؛ Ngeow & Kong, 2001; Oakley et al., 2004	یک روش آموزشی فعال و سازنده‌گرا در نظام آموزشی؛ به کار بستن توانایی آموختن دانشجویان در حل مسئله؛ توضیح مسئله در ابتدا و در اختیار قرار دادن دانش و مهارت‌های لازم برای حل آن مسئله به صورت تدریجی برای دانشجو	یادگیری مسئله‌محور
Jones et al., 1997; Ngeow & Kong, 2001	پروژه‌ها به عنوان فعالیت‌های پیچیده‌ای برای درگیر کردن دانش‌آموزان به کار طراحی، حل مسئله، تصمیم‌گیری و فعالیت‌های تحقیقی؛ به کار بستن مباحث آموزش داده شده در پروژه‌ها توسط دانشجویان	یادگیری پروژه‌محور
جویس، کالهن و هاپکینز، ۱۳۹۴	سازمان‌دهی فراگیران در گروه‌های مردم‌سالار در حین حل مسئله؛ درگیر شدن در حل یک معضل اجتماعی یا بین فردی- تدارک یک موقعیت یادگیری مبتنی بر تجربه؛ متکی بر روش‌های متنوعی مثل پژوهش فردی- پژوهش گروهی و فعالیت‌های عمومی؛ تسهیل فرایندهای گروهی توسط معلم؛ انعطاف‌پذیری معلم و فراگیران	یادگیری پژوهش گروهی
Mehrdost et al., 2019	کسب‌شده از بررسی پیشینه‌های موجود؛ سبب به وجود آمدن موقعیت‌های تازه و انتقال راه‌حل‌های پیشین به مسائل جدید	موردی
یارمحمودی و پروا، ۱۴۰۰	از طریق سفر، فیلم، تصویر و کتاب	بصری
Shafae, 2019	آموزش توأم با بازی‌های نمایشی، گفتاری، نوشتاری و تریسمی	یادگیری بازی‌محور

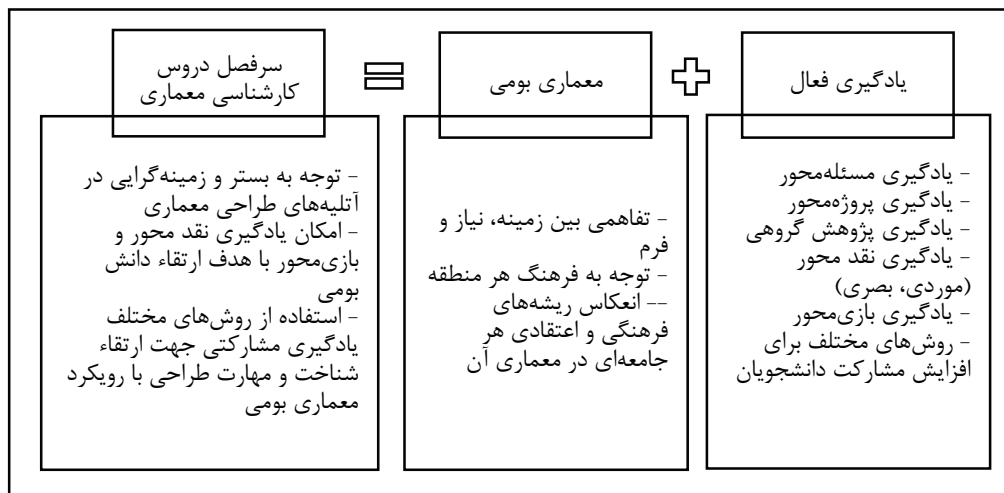
از زمانی که آموزش معماری به‌طور عمومی بر طراحی پایه‌ای و درک سه‌بعدی در دروس پایه متمرکز شد و دروس ساختمان به ترم‌های بعدی موکول شد، آموزش مراحل طراحی و اجرای ساختمان به هر دو روش آتلیه‌ای و تئوری صورت می‌گیرد و مطالعه گروهی برای روش‌های آتلیه‌ای و طراحی ارزشمند است (Bashier, 2014; Bergstrom, 2014; Savic & Kasef, 2013; Anthony, 2013). ارائه مفهوم معماری مشارکتی در آتلیه طراحی معماری به دنبال قدرت بخشیدن به دانشجویان است تا محیط فیزیکی و اجتماعی را بهتر دریافته، آن را درک نموده و قادر باشند درباره آن تصمیم بگیرند. مشارکت برای ایجاد محصول معماری منسجم، همکاری جمعی را ایجاد کرده و ارتباط میان اعضای گروه را کنترل می‌نماید. بنابراین، مشارکت به عنوان حکمتی در نظر گرفته می‌شود که باید به وسیله دانشجویان، باطنی و درونی شود تا برای فعالیت‌های حرفه‌ای و جمعی آمادگی بهتری یابند (علی‌الحسابی و نوروزیان ملکی، ۱۳۸۸).

جدول ۳. برخی از روش‌های آموزشی برای افزایش مشارکت دانشجویان

منابع	توضیحات	برخی از روش‌های آموزشی برای افزایش مشارکت دانشجویان
ملکوئی، ۱۳۸۸؛ مظفر و همکاران، ۱۳۸۸	تمرینی کوچک برای رسیدن به زندگی اجتماعی بهتر؛ تجربه‌اندوزی فراگیر در تقسیم کار، مسئولیت و مدیریت و سازمان‌دهی فعالیت‌ها؛ افزایش یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر؛ موضوعی راهبردی و بحث برانگیز در موفقیت فرایند طراحی معماری؛ تغییر دیدگاه فراگیران در اثر نظر همکلاسی‌هایشان در صورت لزوم؛ تصحیح دیدگاه دانشجویان توسط اساتید؛ امکان گفتگوی عمیق با گروه مشخص و کوچکی از اجتماع محلی در چند موضوع خاص؛ امکان تمرکز افراد و شرکت‌کنندگان بر موضوعات خاص و تفکر در مورد حل مسائل مربوط به آن؛ وجود اطمینان بیشتری برای گفتگوهای آزاد	بحث گروهی
	دریافت ایده‌های جدید از طرف شنونده‌ها؛ افزایش اعتماد به نفس دانشجویان؛ جستجو و تحقیق در منابع مختلف توسط دانشجویان	ارائه انفرادی
Sajjad, 2010	افزایش توانایی تحقیق درباره موضوع	تکلیف درسی
Cheddak et al., 2021; Hassan, 2019; Emami Rizi et al. 2013	تکنیک مؤثر برای جستجوی ایده‌ها در مورد یک موضوع خاص؛ یکی از ساده‌ترین و محبوب‌ترین تکنیک‌ها برای ایجاد مفاهیم و ایده‌ها؛ تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی	طوفان ذهنی
Sajjad, 2010	جذاب بودن، یادگیری آسان و یادگیری فعال؛ فکر کردن دانشجویان فراتر از دانششان؛ تشویق دانشجویان به تفکر خلاق	ایفای نقش
نایر و همکاران، ۱۳۹۱	مطالعه مستقل، آموزش و فراگیری دو به دو، کارهای گروهی ۲ تا ۶ نفره، آموزش انفرادی معلم به دانشجو، یادگیری فناوری محور با رایانه‌های قابل حمل، آموزش از راه دور، یادگیری به شیوه میزگرد و سمینار و غیره	سایر روش‌ها

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به اینکه یادگیری فعال به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود، در دانشکده‌های معماری جهت آموزش می‌توان از انواع آن بهره جست. از طرفی با توجه به اینکه معماری بومی تأکید ویژه‌ای بر بستر و زمینه و همچنین فرهنگ منطقه و انعکاس ریشه‌های آن در معماری منطقه دارد، به نظر می‌رسد که در تدوین سرفصل دروس کارشناسی معماری باید به این دو موضوع اساسی تأکید ویژه‌ای داشت.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش تحلیل محتوا است که با استفاده از داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ فارغ‌التحصیل و ۲۰ استاد معماری چهار دانشگاه استان مازندران شامل: ۱- دانشگاه مازندران، ۲- دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، ۳- دانشگاه شمال و ۴- دانشگاه آزاد ساری صورت گرفته است و لزوم بازنگری سرفصل دروس کارشناسی معماری، ضرورت بومی‌نگری و توجه به انواع نیازهای بومی در آن و میزان و نحوه تغییرات در سرفصل مورد پرسش و مطالعه قرار گرفته است. نمونه‌گیری از طریق روش غیراحتمالی هدفمند انجام شده است و تعداد حجم نمونه منطبق بر تجربه و پژوهش‌های انجام‌شده مشابه صورت گرفته است. به‌منظور روایی و پایایی کدگذاری مفاهیم نیز از روش اعتبار صوری استفاده شده که ناشی از میزان توافق ۱۰ متخصص در حیطه آموزش معماری بوده است.

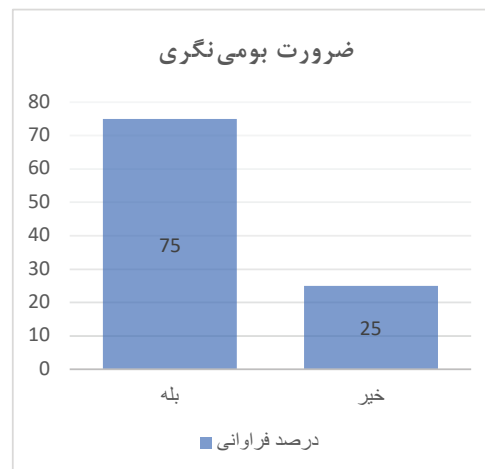
یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر ابتدا به معرفی پرسش‌های مطرح‌شده در نظرسنجی از فارغ‌التحصیلان و استادان معماری پرداخته شده و سپس نتایج حاصل از جمع‌بندی این پرسش‌ها به تفکیک نوع سؤال مورد ارزیابی قرار گرفته است. در انتها نتیجه‌گیری حاصل از دسته‌بندی چالش‌های پیش‌روی سرفصل‌های معماری دانشگاه‌ها مطرح شده و پیشنهاد‌های اجمالی جهت بهبود این فضا ارائه شده است.

لزوم بومی‌نگری سرفصل معماری

مهم‌ترین سؤالی که از فارغ‌التحصیلان و استادان معماری مطرح شد، لزوم بومی‌نگری در سرفصل معماری بود: «به نظر شما آیا ضروری است که نیازهای بومی هر منطقه در سرفصل دروس معماری دانشگاه‌های آن منطقه دیده شود؟»

در پژوهش حاضر ابتدا راجع به لزوم بومی‌نگری سرفصل معماری از فارغ‌التحصیلان و استادان معماری پرداخته شد و سپس نتایج حاصل از دلایل موافقت و مخالفت با این موضوع، جمع‌بندی، تفکیک و دسته‌بندی شده‌اند. ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق با لزوم بومی‌نگری سرفصل معماری و ۲۵ درصد آنها مخالف با این موضوع بوده‌اند.



شکل ۲. نمودار آماری موافقان و مخالفان بومی‌نگری

دلایل اصلی موافقان بومی‌نگری سرفصل را می‌توان در چهار زیرمقاله اصلی دسته‌بندی نمود: فرم متناسب با اقلیم زمینه‌گرایی در فرم، عدم شناخت معماری بومی مطالعات بومی، شناخت مصالح بومی و پژوهش‌های اندک در حوزه معماری بومی که در جدول (۴)، کدگذاری و ارائه شده‌اند. در واقع با توجه به نظرات متخصصان و استادان مصاحبه‌شونده، زیرمقاله‌ها مشخص و نظرات دریافت‌شده به‌صورت کدبندی شده ارائه شده‌اند.

جدول ۴. جدول مقولات اصلی موافقان بومی‌نگری سرفصل

مقاله	زیرمقاله	مفاهیم	کدها
بومی‌سازی	عدم شناخت معماری بومی مطالعات بومی	عدم شناخت مطالعات	تأثیر فرم طراحی در رفع نیازهای هر منطقه
			تبعیت طراحی‌ها از الگوهای تکراری بدون هیچ توجیهی در شهرهای مختلف کشور با اقلیم‌های متفاوت
			عدم شناخت معماری بومی در معماری معاصر ما
			یادگیری هر معماری برای طراحی متناسب با معماری همان منطقه
			درک نشدن اطلاعات و تکنولوژی به‌کار گرفته شده در معماری بومی
			عدم توانایی طراحان برای طراحی خاص در مناطق مختلف
			شناسایی شرایط آب‌وهوایی خاص هر منطقه، شناسایی چالش‌های هر منطقه از قبیل در معرض زلزله بودن و در معرض ریزگرد و آلودگی بودن و غیره، استفاده از عناصر طبیعی مانند کوه، دریا، جنگل، کویر و غیره در طراحی معماری موجب شناسایی شرایط بومی منطقه‌ای برای طراحی از همان دوران تحصیل دانشگاهی
			نیاز به یادگیری ارتباط بین انسان، طبیعت و معماری
			بی‌توجهی طراحان معاصر در کارهای اجرایی به نیازهای بومی
			احترام به معماری بومی از طریق طراحی‌های هم‌ساز با اقلیم
			عدم طراحی یک طرح یا یک پروژه در یک مکان نامناسب از لحاظ اقلیمی و محیطی
			بومی بودن اکثر دانشجویان معماری در دانشگاه‌های ایران
بومی‌سازی	عدم شناخت معماری بومی مطالعات بومی	عدم شناخت مطالعات	نیاز فارغ‌التحصیلان معماری به دانش بیشتر درباره ارزش‌های معماری بومی ایران
			نیازمند بودن دانشجویان به درک بیشتری نسبت به کاری که قرار است در آینده مشغول به کار شدن اکثریت دانشجویان معماری بعد از فارغ‌التحصیلی در همان اقلیمی که آموزش دیده‌اند
			مرتفع شدن تدریجی نیازهای مناطق در صورت توجه به معماری بومی
			شناخت معماری بومی، یکی از الزامات برای دانشجویان معماری
			شناخت ویژگی‌های اقلیمی و بومی آن منطقه برای دانشجویان غیربومی (که احتمالاً در آن منطقه نیز مشغول به کار خواهند شد)
			توجه به شعار محدود نشدن آموزش به زمان و مکان و در نتیجه رقابت بر سر راه‌ها جدید بودن و ریچارد میر بودن در دانشگاه‌ها
			نیاز دانشجویان به یادگیری معماری متناسب با بستر زندگی خویش برای طراحی (معماران دست کم باید بلد باشند که یک منطقه را درست طراحی کنند)
			نزدیک‌تر شدن طرح‌های دانشجویان به واقعیت در آینده (به‌دلیل یادگیری ایده‌های طراحی برای رفع نیازها)
			تمرکز روی داشته‌ها و دانسته‌های معماری خودمان برای ارتقاء دادن آن و بهتر شدن حال و اوضاع شهرهایمان
			یادگیری چگونه شناختن یک منطقه و جواب‌گویی به نیازهای واقعی در تمام حوزه‌ها موجب یادگیری پیاده‌سازی یک راه برای شناسایی و یافتن راه‌حلهایی در دیگر مناطق و در نتیجه عدم ایجاد محدودیت برای طراحان
			طرح‌های معماری ضعیف و بهره‌گیری از مصالح نامناسب
			توجه بیشتر به مسائل پایداری و کاهش مصرف انرژی
پژوهش‌های اندک در حوزه معماری بومی پژوهش‌های بومی	پژوهش	مطالب و پژوهش‌های اندک راجع به معماری بومی استان‌ها	
		عدم پژوهش‌هایی پیرامون بناهای معماری بومی (حتی آنهایی که ثبت جهانی شده‌اند)	

با دقت در جدول (۴) می‌توان این‌گونه استنباط کرد که موافقان بومی‌نگری سرفصل بیشتر به دلیل عدم شناخت معماری بومی، بر بومی‌سازی سرفصل دروس معماری تأکید داشته‌اند و به مواردی از قبیل عدم شناخت آن در معماری معاصر، عدم توانایی طراحان به طراحی متناسب با بوم منطقه، نیاز به یادگیری ارتباط بین انسان، طبیعت و معماری، توجه به اقلیم‌گرایی در طراحی‌ها، عدم درک تکنولوژی به کار رفته در معماری بومی و عدم دانش کافی دانشجویان اشاره کرده‌اند؛ علاوه بر این تأکید زیادی بر استفاده از مصالح نامناسب و عدم توجه به هدررفت انرژی را به دلیل عدم شناخت صحیح مصالح بومی و تبعیت طراحی‌ها از الگوهای تکراری بدون هیچ توجیهی در شهرهای مختلف کشور را به علت عدم متناسب بودن فرم با اقلیم زمینه‌گرایی در فرم داشته‌اند و پژوهش کردن پیرامون بناهای بومی (ثبت‌شده و ثبت‌نشده جهانی) را لازم دانسته‌اند. از طرفی، دلایل اصلی مخالفان بومی‌نگری سرفصل را نیز می‌توان در چهار مقوله اصلی شامل: محدود نشدن ذهن طراحان، کل‌نگری معماری، فراگیری معماری به صورت عام و عدم اجبار معماری بومی دسته‌بندی نمود که در جدول پنج، کدگذاری و ارائه شده‌اند.

جدول ۵. جدول مقولات اصلی مخالفان بومی‌نگری سرفصل

مقوله	زیرمقوله	مفاهیم	کدها
	محدود نشدن ذهن طراحان	آزادی ذهن	امکان جهانی فکر کردن ذهن طراحان
			عدم بسته شدن ذهن دانشجویان
عدم بومی‌سازی	کل‌نگری معماری	عدم محدودیت در معماری	گزینشی یاد نگرفتن معماری
			ضرورت توانایی طراحی طراحان در هر اقلیمی
			ضرورت آموزش تفکر سیستماتیک به دانشجویان
			فراهم آمدن شرایط متفاوت برای دانشجویان جهت طراحی در اقلیم‌های متفاوت
			ضرورت وجود تعادل بین آموزش معماری بومی و غیربومی
			ضرورت آشنایی طراحان با نیازهای تمام مناطق
			امکان مهاجرت دانشجویان به شهرها یا کشورهای متفاوت (در نتیجه، ضرورت آموزش اصول کلی به دانشجویان و عدم تمرکز بر منطقه‌ای خاص)
			ضرورت آشنایی معماران با نیازهای مختلف اقلیمی و جغرافیایی متفاوت
			نبود بومی‌گرایی در دانشگاه‌ها
			وجود دانشجویان از شهرها و اقلیم‌های مختلف موجب آموزش نحوه فکر کردن، دیدن و پیدا کردن منابع به آنها (آموزش معماری بومی از نگاه این دسته نوعی ماهی دادن است، نه ماهی‌گیری)
	فراگیری معماری به صورت عام	عام بودن فراگیری معماری	ضرورت آموزش احترام به اقلیم‌ها و فرهنگ‌های متفاوت به دانشجویان
			ضرورت آموزش روش تحلیل نمودن شرایط مختلف به دانشجویان
	عدم اجباری بودن معماری بومی	عدم اجباری بودن	امکان ارائه به صورت اختیاری

با توجه به جدول (۵)، مشخص است که علت اصلی مخالفان بومی‌سازی سرفصل دروس معماری مربوط به کل‌نگری آنها به این رشته و در نظر نگرفتن محدودیت برای آن است. این افراد بر گزینشی یاد نگرفتن معماری، ضرورت توانایی طراحی طراحان در هر اقلیمی، ضرورت آموزش تفکر سیستماتیک به دانشجویان، ضرورت آشنایی طراحان با نیازهای تمام مناطق و امکان مهاجرت دانشجویان به شهرها یا کشورهای متفاوت (در نتیجه، ضرورت آموزش اصول کلی به دانشجویان و عدم تمرکز بر منطقه‌ای خاص) تأکید زیادی داشته‌اند و به عام بودن فراگیری معماری و در نتیجه وجود دانشجویان از شهرها و اقلیم‌های مختلف موجب آموزش نحوه فکر کردن، دیدن و پیدا کردن منابع به آنها (آموزش معماری بومی از نگاه این دسته نوعی ماهی دادن است، نه ماهی‌گیری)، ضرورت آموزش احترام به اقلیم‌ها و فرهنگ‌های متفاوت به دانشجویان و ضرورت آموزش روش تحلیل نمودن شرایط مختلف به دانشجویان اشاره کرده‌اند؛ همچنین محدود نشدن ذهن طراحان و در نتیجه امکان جهانی فکر کردن ذهن طراحان و عدم اجباری بودن معماری بومی و در نتیجه امکان ارائه آن به صورت اختیاری را از جمله علت‌های عدم ضرورت توجه به بومی‌سازی دروس معماری مطرح کرده‌اند. شاید بتوان در پاسخ به افرادی که نظرات و دلایلشان منفی و در تضاد با ضرورت بومی‌سازی دروس بوده است، گفت که افرادی که جنبه عمومی معماری در هر صورت باید آموزش داده شود، ولی به شکل تخصصی‌تر که آشنایی با معماری بومی همان استان نیز فراهم آید.

ضرورت توجه به انواع نیازهای بومی در سرفصل معماری

یکی از راهکارهای به‌حداقل رساندن کاستی‌های آموزش معماری، ضرورت به‌روز شدن سرفصل کارشناسی معماری است. برای به‌روزرسانی سرفصل ضروری است تا بازنگری دقیق در سرفصل‌های موجود صورت گیرد و نقاط قوت آنها حفظ و رویکرد بومی‌نگری به آن اضافه شود. یکی دیگر از مهم‌ترین سؤالاتی که از فارغ‌التحصیلان و استادان معماری مطرح شد، ضرورت توجه به انواع نیازهای بومی در سرفصل معماری بود: «چه نیازهای بومی، اقلیمی یا فرهنگی در منطقه شما وجود دارد که در سرفصل معماری به آنها پرداخته نشده است؟»

جدول ۶. ضرورت توجه به انواع نیازهای بومی در سرفصل معماری

مقوله	زیرمقوله	مفاهیم	کدها	
ضرورت توجه به انواع نیازهای بومی در سرفصل معماری	ارتقای آگاهی و شناخت نسبت به نیازهای جامعه	توجه به نیازهای جامعه	ارتقای طرز فکر مردم	
			نیازمند بودن جامعه به سلامت زیستی، محیطی و کالبدی	
			نیاز جامعه به فضاهای باز و فضاهای سبز	
			پاسخ به نیازهای روانی به واسطه معماری فضا (مصالح، رنگ، تقسیم فضایی و غیره)	
	توجه به آشنایی و حفظ تاریخ و فرهنگ بومی	تاریخ و فرهنگ منطقه	آشنایی و حفظ بناهای مهم و تاریخی	نیاز به توجه بیشتر به معماری سنتی ایران نسبت به سایر کشورها
				باب شدن طرح‌هایی با الگوهای تکراری بدون توجه مناسب در سراسر کشور
				متفاوت بودن نیاز کاربران متناسب با فرهنگ و تاریخ منطقه
				امکان تعمیر بناهای سنتی موجود به جای تخریب آنها (تاریخ و فرهنگ منطقه و در سطح کلان کشور)
				امکان سفرهای آموزشی معماری برای درک، شهود و آموختن از ساختمان‌های مطلوب و نامطلوب
				الهام گرفتن از فضاها و هنرهای به کارگرفته شده در آنها توسط دانشجویان معماری به واسطه برنامه‌های بعد از سفر جهت افزایش خلاقیت دانشجویان
توجه به نیازهای زمین‌های منطقه‌ای	توجه به زمینه و منطقه	توجه به زمینه و منطقه	انجام تمرین‌هایی برای کسب مهارت‌های ذهن، چشم و دست از طریق برنامه‌ریزی مناسب در سفرهای علمی و بازدید از بناهای بومی	
			آشنایی با زیرساخت‌های شهری هر منطقه، برای درک درست نیازهای پایداری هر منطقه به منظور طراحی معماری مناسب	
			متفاوت بودن نیاز کاربران متناسب با اقلیم منطقه	
			ضروری بودن توجه به نیازهای بومی و اقلیمی در طراحی‌ها به دلیل ایجاد شرایط آسایش انسان‌ها	

با توجه به جدول (۶)، به طور کلی می‌توان ضرورت توجه به انواع نیازهای بومی در سرفصل معماری را در ۳ زیرمقوله شامل: ۱- ارتقای آگاهی و شناخت نسبت به نیازهای جامعه، ۲- توجه به آشنایی و حفظ تاریخ و فرهنگ بومی و ۳- توجه به نیازهای زمین‌های منطقه‌ای، دسته‌بندی کرد که مهم‌ترین دلایل آن از نظر پرتکرار بودن شامل موارد زیر است: ۱- در آموزش معماری باید به آشنایی و حفظ بناهای مهم و تاریخی بیشتر پرداخته شود. ۲- در اغلب شهرهای ایران، فارغ از اصول و اقلیم و غیره، طراحی‌ها غالباً تابع الگوهای تکراری است که متأسفانه بعضاً توجیهی هم ندارد؛ مثلاً فرم و کانسپت در شهرهایی مثل تهران، اصفهان و مشهد یکسان است. با آموزش ویژگی‌های بومی معماری مناطق مختلف می‌توان ارزش‌های معماری بومی را احیاء کرد. ۳- آشنایی با زیرساخت‌های شهری هر منطقه، برای درک درست نیازهای پایداری هر منطقه به منظور طراحی معماری مطلوب. ۴- انسان‌های متفاوت دارای فرهنگ‌ها و تاریخ متفاوت، اقلیم متفاوت و از همه مهم‌تر نیازهای متفاوت با جاهای دیگر هستند. ۵- معماران باید بتوانند هم از نظر ذهنی و هم از نظر تکنیکی به احیاء بناهای سنتی موجود بپردازند و به دلیل نابودی به فکر تخریب بناها نباشند. ۶- سفرهای آموزشی معماری برای درک، شهود و آموختن از ساختمان‌هایی که عملکردهای درستی دارند و ساختمان‌هایی که ندارند. ۷- دانشجویان معماری با الهام گرفتن از فضاها و هنرهای به کارگرفته شده در آنها می‌توانند خلاقیت خود را در

زمینه طراحی افزایش دهند؛ بنابراین برگزاری برنامه‌هایی بعد از سفرها برای بروز خلاقیت‌های دانشجویان با استفاده از آموزه‌های کسب‌شده از سفر تأثیر شگرفی در افزایش این‌گونه توانمندی‌های دانشجویان معماری خواهد داشت. ۸- رشته معماری نیازمند انجام تمرین‌هایی برای کسب مهارت‌های ذهن، چشم و دست است که با برنامه‌ریزی مناسب در سفرهای علمی و بازدید از بناهای بومی حاصل می‌شود. بنابراین می‌توان این‌گونه بیان کرد که ضرورت توجه به انواع نیازهای بومی در سرفصل معماری، بیشتر در ارتباط با دو زیرمقوله: «توجه به آشنایی و حفظ تاریخ و فرهنگ بومی» و «توجه به نیازهای زمینه‌ای و منطقه‌ای» است.

بحث

شایان ذکر است که نتایج پژوهش حاضر در راستای پژوهش‌های زیر بوده است: در تحقیقی با عنوان «بررسی تطبیقی برنامه آموزشی دوره کارشناسی معماری در ایران با شش دانشگاه برتر جهان» (غریب‌پور و میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰) این نتیجه حاصل شد که ساخت‌وساز در کشور ما در حال گذار از دوران سخت بحران هویت است که برای تغییر این وضعیت، استفاده حداکثری توان به‌منظور تسریع گذر از این دوران و ورود به دوران خودیابی و شکوفایی فرهنگی و غلبه بر بحران هویت (به‌عنوان یکی از مأموریت‌های برنامه آموزشی) پیشنهاد می‌شود. در پژوهشی با عنوان «معماری بومی از طریق دانش بومی...» (Stewart, 2015) طی مکالماتی با نوزده معمار بومی از جزیره تریتل^۲، استرالیا^۳، چیه‌آتون^۴ (السالوادور^۵) آتی آروا^۶ (نیوزلند^۷) این نتیجه یافت شد که آنها فرهنگ خود و تأثیر آن بر کارهای طراحی خود را شناسایی کردند. آنها زمان خود را در مدرسه معماری ارزیابی کردند و تغییراتی را پیشنهاد کردند که به مکاتب معماری برای جذب دانش‌آموزان بومی به دانشکده کمک می‌کرد. در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی شاخص‌های آموزش سازنده‌گرا در طرح دوره کارشناسی ارشد رشته معماری دانشگاه‌های هاروارد، ای. ای. بی. بیکننت و شیراز» (دستغیب پارسا و همکاران، ۱۳۹۹) مشخص شده است که بازنگری مداوم در دروس آموزشی رشته معماری، انجام تکالیف واقعی، برنامه‌ریزی دوره‌های آموزشی با همکاری دانشگاه‌ها و مؤسسات متنوع به‌منظور بهینه‌سازی کردن آموزش معماری دانشگاهی در ایران از منظر سازنده‌گرایی (تولید علم توسط دانشجو به‌جای انتقال دانش از پیش‌ساخته‌شده) لازم است. در این پژوهش همچنین به برنامه دروس برخی از دانشگاه‌ها اشاره شده است؛ به‌طور مثال مطابق با صفحه رسمی دانشکده معماری هاروارد، در دروس سمینار موضوعات متنوعی از قبیل هویت، فرهنگ، حفاظت و نوسازی ساختمان‌ها، زمینه و غیره مورد توجه است یا مطابق با صفحه رسمی دانشگاه بیکننت (2019) مشخص است که از یک طرف جنبه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی و از طرف دیگر فناوری در طراحی زمینه تخصصی این دانشگاه است. با توجه به پژوهش‌های ذکر شده در این بخش می‌توان دریافت که محتوای سرفصل دروس کشورهای دیگر نشان از توجه ویژه آنها به موضوع معماری بومی داشته؛ به‌طوری‌که تمرینات مختلفی را در این زمینه به‌منظور کسب دانش و شناخت بیشتر نسبت به معماری بومی در نظر گرفته و علاوه بر آن، به بازنگری و به‌روزرسانی‌های سرفصل‌های خود اهمیت می‌دهند؛ مسئله‌ای که در سرفصل دروس رشته معماری در ایران مورد اجحاف و کم‌لطفی قرار گرفته است. در پژوهشی با عنوان «ضرورت تدوین سرفصل جدید کارشناسی معماری با رویکرد بومی‌نگری و متناسب با شرایط و نیازهای دانشگاه مازندران» (موسوی، ۱۳۹۹) نیز این نتیجه حاصل شده است که به‌نظر می‌رسد ضروری است تا ایرادات سرفصل‌های موجود وزارت علوم به حداقل برسند و ویژگی‌های مثبت سرفصل‌های دانشگاه‌های معتبر دنیا نیز بومی‌سازی و متناسب با شرایط و نیازهای کشور از آنها در تدوین سرفصل جدید استفاده شوند. در پژوهشی با عنوان «استفاده از معماری بومی در طراحی تمرین‌های دروس مقدمات طراحی معماری»

(موسوی و همکاران، ۱۳۹۶) با کمک روش موردپژوهی نیز این نتیجه حاصل شده است که تمرین‌های برگرفته از معماری بومی، تقویت قدرت تجسم، تخیل و تعقل را به‌دنبال خواهد داشت؛ زیرا درک فضاهای معماری بومی و تجسم شیوه و سبک زندگی ساکنان بناها در فضای معماری بومی برای دانشجو به راحتی امکان‌پذیر بوده و سبب تقویت فهم رابطه علت و معلولی در پدیده‌های معماری در ذهن وی می‌شود. مهدوی‌پور و جعفری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «جایگاه دانش و صنعت بومی در آموزش معماری امروز» بیان کرده‌اند که تکنیک‌ها و روش‌های ساخت بومی در دانشکده‌های معماری امروز در خارج از ایران آموزش داده می‌شود، ولی با وجود نمونه‌های زیاد پوشش‌های چوبی، سنگی، خشتی و غیره در کشور، حتی یک نمونه از دیتیل‌های آن در مراکز آموزشی ایران تعلیم داده نمی‌شود. در نتیجه این نیاز دیده می‌شود که در درس فنی به آموزش دیتیل‌های بومی مناطق مختلف کشور پرداخته شود. نیاز است که درس فنی با دروس طراحی ترکیب شوند. در دروس طراحی معماری نباید فقط طراحی‌ها از جنبه شکل، فرم و روابط فضایی اصلاح شوند، بلکه باید جنبه تکنولوژیکی و سازه‌ای هم مد نظر گرفته شود. برای توجه به زمینه‌گرایی و بوم‌گرایی باید موارد زیر در نظر گرفته شود: ۱- استفاده از مصالح بومی ۲- استفاده از بسترهای مناسب بومی و محلی ۳- اصلاح سازه و تکنولوژی‌های انتخابی دانشجویان در طراحی ۴- استفاده از موضوعات محلی.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با روش تحلیل محتوا با کمک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به بررسی ضرورت تدوین سرفصل کارشناسی معماری پرداخته شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که علت ضرورت تدوین سرفصل جدید کارشناسی معماری با رویکرد بومی‌نگری و متناسب با شرایط و نیازهای دانشگاه مازندران را می‌توان در ۴ زیرمقوله اصلی شامل: ۱- فرم متناسب با اقلیم زمینه‌گرایی در فرم، ۲- عدم شناخت معماری بومی مطالعات بومی، ۳- شناخت مصالح بومی و ۴- پژوهش‌های اندک در حوزه معماری بومی دسته‌بندی نمود که بیشترین علت مربوط به زیرمقوله «عدم شناخت معماری بومی مطالعات بومی» و در رابطه با فواید توجه به آن و مضرات غفلت نمودن نسبت به آن است.

به‌طور کلی می‌توان ضرورت توجه به انواع نیازهای بومی در سرفصل معماری را در ۳ زیرمقوله شامل: ۱- ارتقای آگاهی و شناخت نسبت به نیازهای جامعه، ۲- توجه به آشنایی و حفظ تاریخ و فرهنگ بومی و ۳- توجه به نیازهای زمینه‌ای و منطقه‌ای، دسته‌بندی کرد که بیشترین علت مربوط به دو زیرمقوله: «توجه به آشنایی و حفظ تاریخ و فرهنگ بومی» و «توجه به نیازهای زمینه‌ای و منطقه‌ای» است.

با بررسی یافته‌ها پاسخ سؤال اول پژوهش که به چرایی دیده شدن نیازهای بومی هر منطقه در سرفصل دروس معماری دانشگاه‌های آن منطقه و به‌نوعی ضرورت آن تأکید دارد، این نتیجه حاصل شد که به‌دلیل ضرورت متناسب بودن فرم با اقلیم زمینه‌گرایی در فرم، عدم شناخت معماری بومی مطالعات بومی، شناخت مصالح بومی و پژوهش‌های اندک در حوزه معماری بومی، این امر ضروری است.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش مبتنی بر ضرورت توجه و در نظرگیری نیازهای بومی، اقلیمی و فرهنگی در سرفصل معماری نیز این نتیجه حاصل شد که تمامی این نیازها دارای اهمیت و ضرورت هستند. در مورد نیازهای بومی باید گفت که نیز به مصالح، رنگ و تقسیم فضایی مناسب، ضرورت آشنایی معماران از لحاظ ذهنی و تکنیکی با مسائل بومی به‌منظور تعمیر و احیای بناهای سنتی و نیاز به آموزش معماران از طریق بناهای سنتی به‌منظور درک، شهود و آموختن ضروری است. طرز فکر مردم، نیاز سلامت جامعه و نیاز به فضاهای باز و

فضاهای سبز، آشنایی و حفظ بیشتر بناهای مهم و تاریخی، ضرورت پرداختن بیشتر به معماری ایران (به دلیل جای کار بیشتر داشتن نسبت به معماری دیگر نقاط جهان) و نیازهای متفاوت انسان‌ها متناسب با مکان زیست از ضروریات توجه به نیازهای فرهنگی در سرفصل دروس معماری به‌شمار می‌آید. تابعیت طراحی‌ها از الگوهای تکراری بدون توجه مناسب، ضرورت آشنایی با زیرساخت‌های شهری هر منطقه برای درک مناسب و توجه به نیازهای پایداری هر منطقه به‌منظور طراحی معماری مناسب از ضروریات توجه به نیازهای اقلیمی در سرفصل دروس معماری حکایت دارد.

لازم به ذکر است که مطابق با نظرات مصاحبه‌شوندگان: ۱- توجه به نیازهای جامعه، ۲- تاریخ و فرهنگ منطقه و ۳- توجه به زمینه و منطقه از جمله ضرورت توجه به انواع نیازهای بومی در سرفصل معماری به‌شمار می‌آیند که در ارتقای طرز فکر مردم، نیازمند بودن جامعه به سلامت زیستی، محیطی و کالبدی، نیاز جامعه به فضاهای باز و فضاهای سبز و پاسخ به نیازهای روانی به‌واسطه معماری فضا (مصالح، رنگ، تقسیم فضایی و غیره) مربوط به نیازهای مرتبط با جامعه؛ آشنایی و حفظ بناهای مهم و تاریخی، نیاز به توجه بیشتر به معماری سنتی ایران نسبت به سایر کشورها، باب شدن طرح‌هایی با الگوهای تکراری بدون توجه مناسب در سراسر کشور، متفاوت بودن نیاز کاربران متناسب با فرهنگ و تاریخ منطقه، امکان تعمیر بناهای سنتی موجود به جای تخریب آنها (تاریخ و فرهنگ منطقه و در سطح کلان کشور)، امکان سفرهای آموزشی معماری برای درک، شهود و آموختن از ساختمان‌های مطلوب و نامطلوب، الهام گرفتن از فضاها و هنرهای به‌کارگرفته شده در آنها توسط دانشجویان معماری به‌واسطه برنامه‌های بعد از سفر جهت افزایش خلاقیت دانشجویان و انجام تمرین‌هایی برای کسب مهارت‌های ذهن، چشم و دست از طریق برنامه‌ریزی مناسب در سفرهای علمی و بازدید از بناهای بومی از جمله موارد مرتبط با نیازهای تاریخی و فرهنگی منطقه و آشنایی با زیرساخت‌های شهری هر منطقه، برای درک درست نیازهای پایداری هر منطقه به‌منظور طراحی معماری مناسب، متفاوت بودن نیاز کاربران متناسب با اقلیم منطقه و ضروری بودن توجه به نیازهای بومی و اقلیمی در طراحی‌ها به دلیل ایجاد شرایط آسایش انسان‌ها از جمله موارد مربوط به نیازهای زمینه‌ای و منطقه‌ای است.

در پاسخ به گروهی که معتقدند بومی‌سازی سرفصل‌های دانشکده‌های معماری موجب محدود شدن یا بسته شدن دید دانشجویان می‌شود، باید بیان کرد که آنها باید جهانی فکر کنند. معماری را نباید گزینشی یاد گرفت. می‌توان گفت که جنبه عمومی معماری به همه دانشجویان در همه مناطق باید آموزش داده شود، اما به شکل تخصصی‌تر. دانشجویان معماری هر منطقه باید با معماری بومی همان منطقه بیشتر آشنا شوند. امید است که نتایج این پژوهش پاسخگوی نیازهای مشروع جامعه در زمینه طراحی و معماری ساختمان‌ها در زمان حال و آینده باشد؛ چرا که طراحی اصولی ساختمان‌ها تنها با شناخت کامل معماران جوان از فضاهای زندگی حاصل می‌شود و با این شیوه‌های رایج آموزش معماری نمی‌توان امید بست که سامان‌دهی فضاهای معماری از لحاظ زیبایی‌شناسی و عملکردی به نحو صحیح حاصل آید. انتظار می‌رود که در حال حاضر مؤسساتی نظیر وزارت علوم تحقیقات و فناوری برای تدوین و اصلاح سرفصل‌های آموزشی معماری، دانشکده‌های معماری، وزارت آموزش و پرورش، هنرستان‌های معماری بتوانند از نتایج این پژوهش استفاده نمایند. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران آتی، برنامه درسی مقطع کارشناسی ارشد و دکتری معماری را مورد مطالعه قرار دهند و راهکارهایی را جهت تصحیح و به‌روزرسانی سرفصل‌های آن ارائه نمایند و بومی‌سازی آنها را به چالش بکشند. علاوه بر این می‌توانند به تأثیر دروس مرتبط با بازار کار حرفه‌ای و به‌روزرسانی سرفصل‌های معماری منطبق با این موضوع نیز بپردازند.

پی‌نوشت‌ها

1. CIAM
2. Turtle Island
3. Australia
4. Cihuatan
5. El Salvador
6. Aotearoa
7. New Zealand

فهرست منابع

- بمانیان، محمدرضا، غلامی رستم، نسیم، و رحمت‌پناه، جنت (۱۳۸۹). عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی «نمونه موردی خانه رسولیان یزد». دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ۱۳، ۵۵-۶۸.
- پیشگاهی، علیرضا، دره‌شیری، شهلا، اولیاء، محمد باقر، حلوانی، ابوالحسن، نوری ماجلان، نادر، سلمان روغنی، حسن، عقیلی، حسین، کرمانی‌القریشی، محمد، و لطفی، محمد حسن (۱۳۸۸). اثر روش یادگیری فعال بر میزان رضایت و ماندگاری اطلاعات دانشجویان دوره فیزیوپاتولوژی دانشگاه علوم پزشکی یزد. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۹ (۳ و پیاپی ۲۳)، ۲۰۸-۲۱۵.
- جویس، بروس، دیوید، هاپکینز و کالهن، امیلی (۱۳۹۴). الگوهای تدریس، ابزارهایی برای یادگیری (مترجمان: محمود مهر محمدی و لطفعلی عابدی). تهران: انتشارات سمت.
- حلبی، اکبر و ستاری‌فرد، شهرام (۱۳۹۴). نگاهی به نمادهای عرفانی در معماری ایرانی-اسلامی. همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، ۱-۱۱.
- حیدری، علی اکبر، قاسمیان اصل، عیسی و کیانی، مریم (۱۳۹۶). تحلیل ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران با استفاده از روش نحو فضا مطالعه موردی: مقایسه خانه‌های یزد، کاشان و اصفهان. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷، ۲۱-۳۳.
- دستغیب پارسا، مریم، شالی امینی، وحید، و نوروز براز جانی، ویدا (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی شاخص‌های آموزش سازنده‌گرا در طرح دوره کارشناسی ارشد رشته معماری دانشگاه‌های هاروارد، ای، ای، بیلکنت و شیراز. دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱۱ (۲۲)، ۳۳۵-۳۶۴.
- رفیعی، زهرا (۱۳۹۰). روند تحولات تفرار در معماری بومی مازندران. باغ نظر، ۸ (۱۹)، ۵۵-۶۴.
- رمضانپور، مهرناز، شرقی، علی و مهدوی‌نژاد، جمال‌الدین (۱۳۹۸). ارزیابی مسکن معاصر در ایران با معیارهای اسلامی ایرانی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۹ (۳۵)، ۵-۱۸.
- سیاسی، ملیکا و سیاسی، ملیحه (۱۳۹۴). معماری بومی مازندران و نقش آن در توسعه صنعت گردشگری، کنفرانس بین‌المللی علوم مهندسی، هنر و حقوق، اسپانیا.
- ستوده، حسام‌الدین و کریمی، غلامعلی (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین فرهنگ و معماری بومی و تأثیر آن در ارتقاء کیفیت طراحی. کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، ۱-۹.
- سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی معماری روستایی به‌سوی سکونتگاه مطلوب (چاپ اول). تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و دانشگاه شهید بهشتی.
- شاه‌علی، احمدرضا (۱۳۹۸). شاخص‌های دانشگاه فرهنگ‌ساز از دیدگاه مقام معظم رهبری. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۹ (۱)، ۳-۲۲.
- صادقی‌پی، ناهید (۱۳۹۱). تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب و کشورهای اسلامی و ایران. نشریه شهر و معماری بومی، ۲، ۷-۲۴.
- عالی، آمنه، خرمی، علی، و اسلامی، سهیلا (۱۳۹۷). چه موقع یادگیری مسئله‌محور اثربخش‌تر است: یک فراتحلیل. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۳ (۲) و پیاپی (۲۸)، ۷۷-۹۴.
- علی‌الحسابی، مهران و کرانی، نعیمه (۱۳۹۲). عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده. مسکن و محیط روستا، ۱۴۱، ۱۹-۳۶.

- علی الحسابی، مهران و نوروزیان ملکی، سعید (۱۳۸۸). تجربه آموزش طراحی در مدارس معماری. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، ۳ (۳)، ۲۰۷-۲۲۰.
- غریب‌پور، افرا و توتونچی مقدم، مارال (۱۳۹۴). بازنگری تطبیقی برنامه آموزش پایه طراحی در دوره کارشناسی معماری. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۲۰ (۴)، ۷۲-۵۹.
- غریب‌پور، افرا و توتونچی مقدم، مارال (۱۳۹۵). ارزیابی برنامه‌های آموزش معماری دوره کارشناسی در ایران از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگی، مطالعات معماری ایران، ۱۰، ۱۴۱-۱۶۰.
- غریب‌پور، افرا و میرمحمد صادقی، رامتین (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی برنامه آموزشی دوره کارشناسی معماری در ایران با شش دانشگاه برتر جهان. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی، ۳۱ (۹۳)، ۳۹-۶۰.
- غریب‌پور، افرا (۱۳۹۸). سنجش امکان توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در آموزش دوره پایه طراحی معماری. هویت شهر، ۱۳ (۲؛ پیاپی ۳۸)، ۵-۲۰.
- فیضی، محسن و اسدپور، علی (۱۳۹۲). تحلیل محتوای سرفصل دروس معماری منظر مبتنی بر نگرش سیستمی در آموزش و طراحی منظر. معماری و شهرسازی پایدار، ۱ (۱)، ۴۳-۵۳.
- کاروان، فرهاد و اصل‌شیرین، سجاد (۱۳۹۴). تحلیلی بر اصول طراحی مجتمع فرهنگی توریستی با رویکرد بوم‌گرایی. دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط‌زیست پایدار، ۱-۱۴.
- کاوه بوکانی، پررنگ و قاسمی، کوروش (۱۳۹۴). معماری بومی، ارزش‌ها و کاربردهای آن. کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، ۱-۸.
- محمدپور، پرژک (۱۳۹۲). بررسی معماری بومی مازندران جهت دستیابی به اصول طراحی بومی و تبیین هویت کالبدی معماری مازندرانی. اولین همایش ملی ساختمان آینده، ۱-۸.
- مظفر، فرهنگ، حسینی، سیدباقر، و عبدمجیری، امین (۱۳۹۱). فرهنگ در پژوهش‌های معماری. مسکن و محیط روستا، ۳۱ (۱۳۸)، ۲۹-۳۸.
- مظفر، فرهنگ، خاک‌زند، مهدی، چنگیز، فهیمه، و فرشادفر، لیلیا (۱۳۸۸). «معماری گروهی»، حلقه مفقوده در آموزش طراحی معماری. فناوری آموزش (فناوری و آموزش)، ۳ (۴)، ۳۳۷-۳۴۹.
- موسوی، سیدمحسن، ثقفی، محمود رضا، مظفر، فرهنگ، و ایزدی، صمد (۱۳۹۶). استفاده از معماری بومی در طراحی تمرین‌های دروس مقدمات طراحی معماری. دوفصلنامه علمی-پژوهشی مرمت و معماری ایران، ۷ (۱۴)، ۶۱-۷۳.
- موسوی، سیدمحسن (۱۳۹۹). ضرورت تدوین سرفصل جدید کارشناسی معماری با رویکرد بومی‌نگری و متناسب با شرایط و نیازهای دانشگاه مازندران. اولین کنفرانس ملی عمران، معماری و فناوری اطلاعات در زندگی شهری، مشهد، ۱-۱۳.
- ملکوتی، محمد (۱۳۸۸). تدریس در گروه‌های کوچک (بحث گروهی). راهبردهای آموزش (راهبردهای آموزش در علوم پزشکی)، ۲ (۴)، ۱۸۳-۱۸۷.
- مهدوی‌پور، حسین و جعفری، عاطفه (۱۳۹۱). جایگاه دانش و صنعت بومی در آموزش معماری امروز. مسکن و محیط روستا، ۱۳۷، ۱۷-۳۶.
- میچر، گری فنستر و سولتیس، جوناس (۱۳۹۰). رویکردهای تدریس (مترجمان: احمدرضا نصر، هدایت‌اله اعتمادی‌زاده، محمدرضا نبیلی، فریدوم شریفیان). تهران: انتشارات مهر ویستا.
- نایر، پراکاش؛ فایلدین، راندال و لاکنی، جفری (۱۳۹۱). زبان طراحی مدرسه: الگوهای طراحی برای مدارس قرن بیست و یکم (مترجم: ثمانه ایروانی). تهران: انتشارات راه دان.
- نقوی، پویان و کیانی، مصطفی (۱۳۹۸). تبیین رابطه معماری بومی و زمینه‌گرایی. مرمت و معماری ایران، ۹ (۱۸)، ۷۱-۸۹.
- نوروزی، ملیحه و شایسته، شیما (۱۳۹۲). تأثیر فرهنگ بر معماری بومی، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار. مشهد: مؤسسه آموزش عالی خاوران.
- نیک‌فطرت، مرتضی و بی‌طرف، احسان (۱۳۹۵). بررسی تأثیرات فرهنگی در معماری بومی ایران از منظر پایداری. مطالعات هنر و معماری، ۲ (۴ و ۵) پیاپی (۱۱ و ۱۲)، ۱۲۶-۱۳۴.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۵). برنامه درسی دوره کارشناسی رشته معماری، دسترسی در تاریخ ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۰. <https://rasam.ac.ir/Uploads/Public/ChartACourseField/e8ddc03a3a944354b633b48d2f-524cab.pdf>
- یارمحمودی، زهرا و پروا، محمد (۱۴۰۰). بررسی رابطه روش‌های یادگیری با دروس مقطع کارشناسی معماری. شهرسازی ایران، ۴ (۶)، ۵۳-۶۹.

- Anthony, K. H. (2013). Designing for diversity: implications for architectural education in the twenty-first century. *Journal of Architectural Education*, 55, 4, 257-267.
- Bashier, F. (2014). Reflections on architectural design education: the return of rationalism in the studio. *Frontiers of Architectural Research*, 424-430, (4) 3 .
- Bergstrom, A. (2014). Architecture and the rise of practice in education. *Architectural Theory Review*, 19, 1, 10-21.
- Bermas, J. (2020). Integrating our own culture in Architecture, Retrieved 12 August 2020, https://www.academia.edu/43021249/Integrating_our_own_culture_in_Architecture.
- Bilkent University. (2019). Graduate Studies in Architecture, Retrieved Sep 7, 2019, from : <http://arch.bilkent.edu.tr/program/graduate.html>.
- Cheddak, A., Ait Baha, T., El Hajji, M. & Es-Saady, Y. (2021). Towards a Support System for Brainstorming Based Content-Based Information Extraction and Machine Learning. In: Fakir M., Baslam M., El Ayachi R. (Eds.) *Business Intelligence*. CBI 2021. Lecture Notes in Business Information Processing, vol 416. Springer, Cham.
- Emami Rizi, C., Najafipour, M., Haghani, F. & Dehghan, Sh. (2013). The effect of the using the brainstorming method on the academic achievement of students in grade five in Tehran elementary schools. *Social and Behavioral Sciences*, 83, 230 - 233.
- Gross, M. D. & Do, E. Y-L. (2013). *The Design Studio Approach: Learning Architectural Design*. College of Computing : Georgia Institute of Technology.
- Hamounda, A.M.S & Tarlochan, F (2015). Engaging Engineering Students in Active Learning and Critical Thinking through Class Debates. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 191, 990-995.
- Harrow, A. (2013). Taxonomy of Education Objectives. available at: <http://www.humboldt.edu/~tha1/bloomtax.html>, accessed 25 February 2013.
- Hassan, D. K. (2019). Potentiating the innovation capacity of brainstorming testing approaches in architecture education medium. *International Journal of Technology and Design Education*. 29, 583-602.
- Jones, B. F., Rasmussen, C. M & Moffitt, M. C. (1997). *Real-life problem solving.: A collaborative approach to interdisciplinary learning*. Washington, DC : American Psychological Association.
- Mehrdoust, E., Aminpoor, A., and Nadimi, H. (2019). The Model of Criticism Application for the Use of Precedents in Architecture Design and Training. *Hoviatshahr*, 13 (1), 33-44.
- Molenda, M. (2010), Cone of Experience, Accessed in September 2010, Available at: http://www.indiana.edu/~molpage/Cone%20of%20Experience_text.pdf.
- Ngeow, K. & Kong, Y. (2001). Learning to learn : Preparing teachers and students for problem-based learning. Bloomington, IN: ERIC Clearinghouse on English, Reading and Communication. (ERIC Digest, EDOSC-01-04).
- Oakley, B., Felder, R. M., Brent, R. and Elhajj, I. (2004). Turning Student Groups into Effective Teams. *J. Student Centered Learning*, 2 (1), 9-34.
- Sajjad, Sh. (2010). Effecting teaching methods at higher education level. *Pakistan Journal of Special Education*, 11, 29-43.
- Salama, A., (2005). A Process Oriented Design Pedagogy : KFUPM Sophomore Studio. College of Environmental Design King Fahd University of Petroleum and Minerals- KFUPM - Dhahran, Saudi Arabia. *CEBE Transactions*, 2 (2005), 16-31.

- Salama, A. (2006). Design Studio Teaching Practices: Between traditional, revolutionary, and virtual models. College of Environmental Design King Fahd University of Petroleum and Minerals-KFUPM - Dhahran, Saudi Arabia. *Open House International*, 31 (2). 1-116. Access at <https://www.semanticscholar.org/paper/Design-studio-teaching-practices%3A-between-and-Salama/aae30d2f3e9e3586495c2c8a9dd78d2ed2dbc371>.
- Savic, M. & Kashef, M. (2013). Learning outcomes in affective domain within contemporary architectural curricula. *Int. J. Technol. Des. Educ*, 23, 987-1004.
- Shafae, M. (2019). The role of game-based education in teaching architecture design (Case study: Architecture design 1- B.A.). *Education technology*, 13(2), 121-131.
- Stewart, P. R. R. (2015). *Indigenous architecture through indigenous knowledge: dim sagalts apkw nisim* [together we will build a village]. University of British Columbia.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Journal of Architecture and Urban Planning. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله



موسوی، سیدمحسن و طیب‌زاده، کیمیاالسادات (۱۴۰۲). بررسی امکان بازنگری برنامه دروس کارشناسی معماری با نگاه بومی: مطالعه موردی: دانشگاه‌های مازندران، نشریه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۵(۳۹)، ۱۲۳-۱۴۳.

DOI: 10.30480/AUP.2022.3897.1847

URL: http://aup.journal.art.ac.ir/article_1082.html

Investigating the Possibility of Revising the Curriculum of Bachelor of Architecture Courses with a Local Perspective Case Study: Universities of Mazandaran

Seyed Mohsen Moosavi

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
(Corresponding Author)

Kimia Sadat Tabibzadeh

Ph.D. Candidate of Architecture, Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Abstract

The curriculum of architecture courses in Iran has been reviewed several times; but no attention has been paid to the local approach. This article seeks to review the possibility of revising the curriculum of Bachelor of Architecture with a local perspective to minimize the educational shortcomings of the curriculum of architecture courses. Mazandaran Universities has been selected as a case study. The research method in this research is content analysis which has been done through semi-structured interviews with 20 professors and 20 architecture graduates of four universities in Mazandaran province: 1. Mazandaran University, 2. Babol Noshirvani University of Technology (BNUT), 3. Shomal University and 4. Islamic Azad University – Sari. Also, the syllabus approved by the Ministry of Science were studied and then the findings have been reviewed and discussed according to the results of the interviews and the analysis of their content. The results show that the reason for the need to develop a new curriculum for the Bachelor of Architecture with an approach to localism and in accordance with the conditions and needs of Mazandaran Universities can be divided into 4 main subcategories: 1. Form appropriate to the climate, 2. Lack of knowledge of local architecture, 3. knowledge of local materials, and 4. limited research in the field of indigenous architecture, which is mostly related to the sub-category of "lack of knowledge of local architecture" and the benefits of paying attention to it, along with the negative impacts of neglecting it. The need to pay attention to the types of indigenous needs in the field of architecture can be divided into 3 sub-categories, including: 1. raising awareness about the needs of society, 2. considering the familiarity and preserving indigenous history and culture, 3. attention to contextual and regional needs, and the most common reason is related to two sub-categories of "considering the familiarity and preservation of indigenous history and culture" and "attention to contextual and regional needs". Most important reasons for the interviewees in terms of frequency were as follows: 1. more attention should be paid to the preservation of important and historical buildings in architecture education, 2. in most cities of Iran, regardless of the principles and climate, etc., the designs are often subject to repetitive patterns, which unfortunately sometimes have no justification, 3. familiarity with the urban infrastructure of each region, to properly understand the sustainability needs of each region in order to design the desired architecture, 4. considering different cultures, histories, climates and, most importantly, different needs of people 5. architects should be able to rehabilitate existing traditional buildings, both mentally and technically, and not think about destroying the building due to ignorance, 6. architectural educational trips to understand and learn from buildings that have proper functions as well as buildings that do not, 7. architecture students can increase their creativity in the field of design by being inspired by the spaces and arts within them.

Keywords: Architecture education, syllabus reviewing, localization, Mazandaran universities